

# در جست و جوی طبیعت

غریزه زیست گرای

ادوارد ویلسون

ترجمه

کاوه فیض‌اللهی

نقاشی‌های

علی نورپور

فرهنگ‌نشر نو

با همکاری نشر آسیم

تهران - ۱۳۹۷

در جست‌وجوی طبیعت  
غرینه زیست‌گرایی

ترجمه کاوه فیض‌اللهی

In Search of Nature از

Edward O. Wilson

Island, Washington, D. C., 2009

فرهنگ نشر نو، تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده  
تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ دوم، ۱۳۹۷ (اول، ۱۳۹۷)

شمارگان ۱۱۰۰

نقاشی‌های علی نورپور

صفحه‌آرا مرتضی فکوری

چاپ غزال

ناظر چاپ بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه ویلسون، ادوارد، ۱۹۲۹ - م

مشخصات نشر تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری ۲۷۰ ص.

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۹۰۰۰۱۳-۳

وضعیت فهرست‌نویسی فیبا

موضوع فلسفه طبیعت؛ انسان؛ بوم‌شناسی انسانی-- فلسفه

شناسه افزوده فیض‌اللهی، کاوه، مترجم

رده‌بندی کنگره ۱۳۹۶ ۹۵۴/و ۵۸۱/BD

رده‌بندی دیویی ۱۱۳

شماره کتاب‌شناسی ملی ۴۸۶۹۵۴۶

مرکز پخش آسیم

تلفن و دورنگار ۸۸۷۴۰۹۹۲-۵

فروشگاه اینترنتی [www.nashrenow.com](http://www.nashrenow.com)

قیمت ۳۲۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

۱۱	پیش‌گفتار: زیست‌گرایی
۱۵	یادداشت مترجم
۲۷	پیش‌گفتار نویسنده

### طبیعت جانوران، طبیعت انسان

۳۱	مار	۱
۵۹	درستایش کوسه‌ها	۲
۷۵	همراه با مورچه‌ها	۳
۸۹	مورچه‌ها و همکاری	۴

### الگوهای طبیعت

۹۹	فداکاری و تهاجم	۵
۱۲۱	تماشای بشر از فاصله	۶
۱۲۷	فرهنگ به عنوان فرآورده‌ای زیستی	۷
۱۴۹	پرنده بهشتی: شکارچی و شاعر	۸

### فراوانی طبیعت

- ۱۵۹ موجودات کوچکی که جهان را اداره می‌کنند ۹
- ۱۶۷ رونق دوباره سیستماتیک ۱۰
- ۱۸۱ زیست‌گرایی و اخلاق محیط زیست ۱۱
- ۱۹۷ آیا بشر خودکُش است؟ ۱۲
- ۲۱۷ افزوده ۱: جای مناسب
- ۲۴۳ افزوده ۲: زیست‌گرایی؛ گفت‌وگو با ادوارد ویلسون
- ۲۶۱ نمایه

## پیش گفتار

### زیست گرایی

#### انتخاب زیستگاه و عشق به طبیعت<sup>۱</sup>

زیست گرایی (biophilia) در واقع چیزی نیست جز مجموع گرایش‌های مثبت و منفی به ویژگی‌های زیستگاهی. ما نزدیک به ۲ میلیون سال به عنوان شکارچی-گردآور زندگی کرده‌ایم و در تمام این مدت در نوع خاصی از زیستگاه احساس امنیت بیشتری کرده و به منابع مورد نیازمان بیشتر دسترسی داشته‌ایم. طبیعی است که این زیستگاه به نظرمان زیباتر برسد. از طرف دیگر از بعضی جنبه‌های این زیستگاه که خطرناک بوده یا دسترسی به منابع در آنها دشوارتر بوده پرهیز می‌کنیم، هرچند ممکن است ما را هیجان زده کنند. ترس از ارتفاع، تاریکی، موجودات مارمانند و عنکبوت مانند همه یادگار این دوره‌اند. ما همواره شکل خاصی از زیستگاه را زیبا می‌بینیم و تلاش می‌کنیم پارک‌هایمان را به آن شکل بسازیم. در پیک‌نیک‌ها هم دنبال ترکیبی از جوی آب، علف‌زار باز و سایه درخت می‌گردیم. این در واقع همان زیستگاه به اصطلاح ساوان است که شباهت زیادی به توصیف کتاب مقدس از بهشت و

۱. این متن پیش از این در شماره هشتم مجله «دانشنامه» به تاریخ تیر و مرداد ۱۳۹۴ منتشر شده است.

قصر پادشاهان دارد. در بهشت یا باغ پادشاهان تاج درختان گسترده و دسترسی به میوه‌هایشان با دراز کردن دست امکان‌پذیر است. حتا گورستان‌های ما نیز به همین شکل طراحی می‌شوند و تک‌درخت‌ها جزء عناصر اصلی چنین محیط‌هایی هستند. در گندم‌زارهای پهناور جابه‌جا درخت‌ها حفظ شده‌اند تا کشاورزان در سایه آنها استراحت کنند در حالی که می‌توانند افق دوردست را نیز در چشم‌انداز داشته باشند. انسان هر جا به جنگل‌های انبوه رسیده آنقدر درخت بریده و در زمین‌های مرتعی آنقدر درخت کاشته که به استاندارد ذهنی‌اش از تراکم ایده‌آل یعنی همان زیستگاه اجدادی ساوان مانند برسد.

یکی از واکنش‌های زیست‌گرایانه که بارها درباره‌اش بحث شده انتخاب زیستگاه است. انتخاب زیستگاه (habitat selection) فرایندی است که طی آن جانور نوع خاصی از زیستگاه که می‌خواهد در آن زندگی کند را انتخاب می‌کند. تصویر جانور از زیستگاه مناسب در دوران کودکی‌اش شکل می‌گیرد و این در مورد بسیاری از پرندگان مهاجر مثل قوها و غازها نشان داده شده است. به این ترتیب می‌تواند منابع، خطرات و محدودیت‌های زیستگاه را بشناسد. به همین دلیل است که پرندگان مهاجر در تالاب فرود می‌آیند و نه در کویر. جانور باید گرایش‌های ذاتی به زیستگاه داشته باشد و آن را با نشانه‌هایی که از محیط می‌گیرد تکمیل کند. از نظر یک زیست‌شناس تصور این نکته تقریباً غیرممکن است که نخستین‌ها و از جمله انسان فاقد ساختارهای ذهنی مشابه برای تشخیص جاهای مناسب باشند.

شاید در مورد بعضی جانوران، همچون زنبور عسل، که عمر کوتاه دارند و از تربیت والدینی بی‌بهره‌اند این تصویر به طور کامل از ابتدا به شیوه‌ای غریزی وجود داشته باشد. اما در مورد انسان اینطور نیست، زیرا تنوع پارامترهای زیستگاهی در انسان بسیار زیاد است. با این حال بدون اتکا به گزینه هم نیست و انسان برای انتخاب زیستگاه مطلوب نیاز به گزینه دارد. این گزینه، در شکل خام خود گنگ و در حداقلی است که برای بقای اولیه سازگارانه باشد و در شکل نهایی خود را در ترکیب و تقلید رفتار و تجربیات بزرگسالان پیدا می‌کند. برای مثال ما از مردار و مدفوع پرهیز می‌کنیم، فضاهای بسته ما را

مضطرب می‌کنند و رنگ قرمز را هشدار تلقی می‌کنیم. با این حال آموخته‌ایم که اتاقک تنگ آسانسور را برای مدتی کوتاه تحمل کنیم و یاد بگیریم که هر رنگ قرمزی به معنای هشدار نیست.

بنیاد فرضیه زیست‌گرایی (و زیست‌هراسی یا biophobia) وجود ساختارهای فیزیولوژیک یا عصبی با مبنای ژنتیکی است که به گیاهان، جانوران و زیستگاه‌های گوناگون واکنش متفاوتی نشان می‌دهند. گرایش مثبت یا منفی به جنبه‌های خاصی از زیستگاه سازشی است و به‌خصوص در زیستگاه اجدادی انسان به ما کمک می‌کند خطرات را بشناسیم و به منابع دسترسی پیدا کنیم. ترس و حتی هراس تمام‌عیار از مار و عنکبوت با کمی تقویت منفی به سرعت شکل می‌گیرد، در حالی که اشیاء خطرناک مدرنی همچون چاقو، تفنگ یا خودرو به ندرت چنین واکنشی را در ما برمی‌انگیزند. درختی که تاج چترمانند گسترده‌ای داشته باشد و بتوان از آن بالا رفت، به مراتب جذاب‌تر از درختی است که چنین ویژگی‌هایی نداشته باشد. اگرچه ما ۱۰ هزار سال است که از این زیستگاه بیرون آمده‌ایم، اما این زیستگاه از ما بیرون نیامده است. وقتی مار را می‌کشیم، درختان جنگل را قطع می‌کنیم، یا طبیعت را تخریب می‌کنیم، و به طور کلی می‌خواهیم منابع بیشتری به دست بیاوریم در واقع جزئی از زیست‌گرایی خود را تجلی می‌بخشیم.

اما ما با گرایش‌های انعطاف‌ناپذیر به دنیا نمی‌آییم، بلکه تعامل با والدین و دیگران انتخاب زیستگاه را در ما تنظیم می‌کند. به همین دلیل است که آموزش می‌تواند این گرایش ذاتی را در ما تعدیل و به‌روز کند. این نکته در مساله حفاظت و رابطه انسان و طبیعت در جهان امروز اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌یابد. کودک در هر تعاملی با عناصر طبیعت به واکنش والدین، بزرگسالان خویشاوند (و در جهان امروزی به جانشین‌های آنها یعنی مربیان و معلمان خود) نظر دارد. اگر آنان با روی گشاده این تعامل را بپذیرند او نیز چنین می‌کند و اگر آنها برای چنین تماس‌هایی چهره در هم بکشند، کودک نیز از آن تماس پرهیز خواهد کرد. نتیجه آن خواهد بود که کودک نسبت به محیط‌های طبیعی و عناصر طبیعت متمایل یا از آنها گریزان باشد. درست است که بالقوه مار را

به عنوان خطر می‌شناسیم، اما اگر ما بی‌آزاری به دست کودک بدهیم تا ترس غریزی‌اش تعدیل شود، آنگاه می‌توان به او گفت که باید از بعضی مارها، و نه همه آنها، فاصله گرفت چون سمی‌اند. این با یک دیدگاه تعدیل‌نشده غریزی به عناصر زیستگاهی فاصله زیادی دارد. به عبارت دیگر، اگرچه واکنش زیست‌گرا در زمان نیاکان ما سازشی بود و کارکرد بهینه‌ای داشت، اما خرد امروزی نه تنها می‌تواند این واکنش را تلطیف و آن را با شرایط کنونی ما سازگار کند، بلکه به عناصر متنوع زنده طبیعت معنای زیباشناختی متعالی‌تری ببخشد و ما را در بین خویشاوندان زنده خود از حالت سلطه‌گر مخرب به «یکی در میان دیگران» بدل سازد. می‌توان کاری کرد که ضمن در امان بودن از خطرات، زندگی انسان نیز غنی شود.

عبدالحسین وهاب‌زاده